

Conceptual Explanation of Peace Ecology

ABSTRACT

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

I. Mahdi Karimi, Ph.D.

I. Asian Cultural Documentation Center, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

Correspondence*

Address: Institute for Humanities and Cultural Studies, Ayinevand Ave., Kordestan Highway, Tehran, Iran.

Email: karimi@ihcs.ac.ir

Article History

Received: 04.02.2022

Accepted: 11.04.2022

Peace ecology is a new emergent scientific concept which is formed due to the scientific discourses on environmental security and environmental peacemaking, and it is philosophically seeks peace with the environment which is challenged and threatened by human interventions. This concept has attracted scholars' attention and regarding environmental threats in local, national and regional levels it is necessary to be considered in Iran. So, this article using descriptive-analytic method and based on library data gathering procedure tries to explain peace ecology, conceptually. Also, it tries to provide some suggestions to peace-building and peacemaking in some regions such as the Middle East and Caspian Sea based on peace ecology indicators. The research findings show that regarding the urgency of environmental threats, these threats can provide some opportunities for peace-building and peacemaking.

Keywords: Ecology; Peace; Peace Ecology; Environmental Threats.

تبیین مفهومی اکولوژی صلح

مهدی کریمی

استادیار، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

چکیده

اکولوژی صلح یک مفهوم علمی نوظهور است که تحت تاثیر گفتمان علمی در مورد امنیت زیست محیطی و صلح آفرینی زیست محیطی شکل گرفته است و از لحاظ فلسفی خواستار "صلح با طبیعت" است که به طور فزاینده‌ای با مداخلات متعدد انسانی در سیستم زمین به چالش کشیده و در معرض خطر قرار دارد. این مفهوم در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است و مقتضی است که در ایران نیز با توجه به تهدیدات زیست محیطی پیش رو در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد. بر همین اساس، مقاله حاضر سعی دارد به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به تبیین مفهومی اکولوژی صلح بپردازد. همچنین تلاش شده است براساس مولفه‌های اکولوژی صلح برخی پیشنهادها جهت صلح سازی و صلح آفرینی در مناطقی مانند خاورمیانه و حوزه دریای خزر ارائه گردد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، تهدیدات زیست محیطی می‌تواند بنا به خاصیت فوریت تهدیدات، فرصت‌هایی را برای صلح سازی و صلح آفرینی فراهم کند.

کلمات کلیدی: اکولوژی، صلح، اکولوژی صلح، تهدیدات زیست محیطی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲

نویسنده مسئول: karimi@ihcs.ac.ir

مقدمه

صلح به عنوان مناسب‌ترین بستر است که روابط جمعی از آسیب پذیری در امان مانده و مصونیت خود را حفظ می‌کند، به همین دلیل یکی از مهم‌ترین خواسته‌های بشر در طول تاریخ بوده است. این مفهوم در جهان کنونی، پدیده‌ای پیچیده و کثیرالاضلاع است که دیگر نمی‌تواند برابر با فقدان جنگ تعریف شود و از صلح منفی (عدم وجود جنگ) و مثبت (عدالت

اجتماعی) گالتونگ [۱] نیز فراتر رفته و با هدف "صلح با طبیعت" (آهیمسا) [۲] پیوند یافته است. در همین راستا مفهوم اکولوژی صلح بسط و توسعه یافته است.

"اکولوژی صلح" یک مفهوم علمی نوظهور است که تحت تاثیر گفتمان علمی در مورد امنیت زیست محیطی و صلح آفرینی زیست محیطی قرار گرفته است. اکولوژی صلح از لحاظ فلسفی خواستار "صلح با طبیعت" است که به طور فزاینده‌ای با مداخلات متعدد انسانی در سیستم زمین به چالش کشیده و در معرض خطر قرار می‌گیرد. دستیابی به صلح با طبیعت یک وظیفه ملی و بین‌المللی است که در آن رفتار انسان باید سازگار با تمامیت طبیعت باشد، جایی که خطرات و بلایای روزافزون بیانگر ناهماهنگی، فقدان صلح و نزاع بشر با طبیعت است [۳].

اگر بپذیریم صلح نوعی شرایط زندگی اجتماعی است که حاصل هماهنگی حقوقی مناسب بین انسان‌ها (در شکل روابط فردی، گروهی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) و همچنین بین انسان و محیط زیست [۴] است، دو ابزار اصلی جهت حصول صلح پایدار اهمیت خود را نشان می‌دهند: اول) آموزش صلح در راستای ارتقا و نهادینه کردن فرهنگ صلح؛ دوم) نظام حقوقی مناسب. بررسی‌ها نشان می‌دهد بشر در این دو حوزه دستاوردهای قابل توجهی نداشته است.

تنها در سال ۱۹۸۹ بود که مسئله فرهنگ صلح و ضرورت آموزش صلح مورد توجه قرار گرفت. جنبشی جهانی در سال ۱۹۸۹ در کنگره بین‌المللی "صلح در ذهن انسان‌ها" در یاموسوکرو، ساحل عاج، به نام "برنامه فرهنگ صلح" یونسکو آغاز شد. در این کنگره، آموزش صلح به منظور دستیابی به هدف هزاره آینده یعنی پایداری زیست محیطی با تحول آگاهی انسان در شیوه‌های تفکر و عادات وجودی که منجر به تغییرات واقعی در عادات و شیوه زندگی می‌شود، مورد توجه قرار گرفت [۵].

چالش‌های قرن حاضر پیش روی این سنت قدیمی، ضرورت نگاه به آموزش زیست محیطی از حوزه‌ای گسترده‌تر و عمیق‌تر را نشان می‌دهد و مستلزم ادغام دیدگاه‌ها و رویکردهای فرارشته‌ای در آموزش هست. در سال ۱۹۹۲، اتحادیه دانشمندان دلوایس با صدور بیانیه‌ای در این زمینه هشدار داد: انسان‌ها و جهان طبیعی در مسیر برخورد هستند. فعالیت‌های

کاهش تولید مواد غذایی و افزایش هزینه‌های واردات می‌شود، چیزی که در نهایت، خطر بی‌ثباتی، درگیری‌های محلی و مهاجرت مردم را افزایش می‌دهد.

همه این مسائل نشان می‌دهد که توجه به اکولوژی صلح دارای ضرورت و فوریت بالایی است و نادیده گرفتن این امر، نیازهای حیاتی انسان مانند دسترسی به غذا، هوای پاک، آب سالم و بهداشتی، خاک حاصلخیز و انرژی کافی را تهدید می‌کند که می‌تواند در کنار سایر عوامل، منشا منازعات در مقیاس‌های مختلف محلی تا جهانی باشد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به دنبال مفهوم سازی اکولوژی صلح است. این مفهوم در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است و مقتضی است که در ایران نیز با توجه به تهدیدات زیست محیطی پیش رو در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد. از روش تحلیل کیفی نیز در تحلیل یافته‌ها بهره گرفته می‌شود. همچنین تلاش می‌شود براساس مولفه‌های اکولوژی صلح برخی پیشنهادها جهت صلح سازی و صلح آفرینی در مناطقی مانند خاورمیانه و حوزه دریای خزر ارائه گردد.

تعریف مفاهیم پژوهش

صلح

مفهوم صلح، ریشه‌های مختلفی دارد. برای مثال در اروپا از "eirene" یونانی، "pax" رومی، pax romana یا صلح در داخل مرزهای امپراتوری روم و سنت مسیحی (pax "Christianiana)، در خاورمیانه از "shalom" عبری و سلام عربی و در جنوب آسیا از ahimsa (صلح با طبیعت) برخاسته است [۳]. آهیمنسا یا همان عدم آسیب مورد تاکید دین جینیسم بعد اکولوژیک که در غرب وجود ندارد را به مفهوم صلح می‌افزاید.

دائرةالمعارف بروک هاوس صلح را شرایط زندگی مشترک مبتنی بر معاهده و تضمین شده هم در بعد وحدت اجتماعی و هم بین گروه‌ها، جوامع یا سازمان‌ها تعریف می‌کند که نقطه مقابل جنگ هست و بدون حداقلی از نظم و اجماع دوام نخواهد

انسانی صدمات شدید و غالباً جبران ناپذیری به محیط زیست و منابع حیاتی وارد می‌کند. اگر این صدمات بررسی نشوند، بسیاری از اقدامات فعلی ما آینده‌ای که برای جامعه بشری و حیات گیاهی و جانوری آرزومندیم را به خطر می‌اندازد و ممکن است حیات زنده را چنان تغییر دهد که انسان نتواند به زندگی خود به شیوه‌ای که ما می‌شناسیم، ادامه دهد. اگر به دنبال جلوگیری از برخورد ذکر شده هستیم، تغییر اساسی ضروری است [۶].

جدای از بعد آموزش صلح به‌طور کلی و آموزش صلح زیست محیطی به‌طور خاص، که به تدریج در مطالعات صلح اهمیت خود را بازمی‌یابد و در اغلب دانشگاه‌ها و مراکز مختلف مورد توجه قرار گرفته است و شاهد پیشرفت‌هایی در این زمینه بوده است، بعد نظام حقوقی مناسب، وضعیتی بسیار اسفناک‌تر دارد، زیرا دولت‌ها تحت هیچ شرایطی حاضر به پذیرش تعهدات الزام‌آور نیستند. به‌طوری که از سال ۲۰۰۹، کنفرانس اعضای کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد در تصویب هرگونه توافقنامه قانونی الزام‌آور در زمینه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای شکست خورده است. به‌علاوه، اگر الگوهای عادی بر جهان بینی علمی و طرز تفکر سیاسی جهان مسلط باشد، بعید است که تعهدات یک‌جانبه غیرالزام‌آور با توجه به نادیده گرفتن تعهدات الزام‌آور قانونی، محقق شود [۲].

علی‌رغم اینکه مسائل و مشکلات زیست محیطی همه کشورهای جهان را تحت تاثیر قرار خواهد داد، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که کشورهای جنوب غرب آسیا در زمره کشورهایی با تنش‌های بسیار بالا در زمینه مشکلات زیست محیطی خواهند بود. ۱۸ نهاد اطلاعاتی آمریکا [۷] چند روز قبل از کنفرانس اقلیمی گلاسکو در سال ۲۰۲۱ هشدار دادند که پیامدهای تغییرات اقلیمی، امنیت ایالات متحده را تهدید می‌کند و یادآور شدند که تغییرات ناشی از گرمایش زمین، تنش و رقابت بین کشورها را تشدید کرده و به بی‌ثباتی جهانی می‌انجامد. بخشی از گزارش، وضعیت اقلیمی ایران را تشریح می‌کند و اینکه خشکسالی‌های مکرر در ایران به جابه‌جایی جمعیت منجر خواهد شد. همچنین عنوان شده است خشکسالی‌ها و موج گرمای شدید به گسترش بیابان زایی می‌انجامد و این روند به موازات مدیریت ضعیف آب، باعث

داشت. پس از جنگ سرد، این دایره‌المعارف در ویراست ۲۱ خود، صلح را به عنوان مفهومی تعریف می‌کند که به روابط هماهنگ بین مردم، گروه‌ها، سازمان‌ها، علایق گروه‌ها و دولت‌ها اشاره می‌کند [۳].

گالتونگ [۱] بین شرایط صلح "منفی" (عدم وجود خشونت فیزیکی یا شخصی یا حالت غیرجنگی) و "صلح مثبت" (عدم وجود خشونت ساختاری، سرکوب و بی‌عدالتی) تمایز قائل می‌شود که شکل استثمار اقتصادی و یا سرکوب سیاسی در روابط طبقاتی درون کشوری و بین کشوری به خود می‌گیرد. گالتونگ [۸] در خرده نظریه صلح خود، استدلال کرد که صلح ویژگی یک طرف به تنهایی نیست، بلکه ویژگی روابط بین طرفین است. وی بین روابط منفی (ناهماهنگ)، خنثی و مثبت (هماهنگ) تفاوت قائل شد که اغلب منجر به صلح منفی (عدم وجود خشونت، آتش‌بس، روابط خنثی) یا صلح مثبت (هماهنگی) می‌شود.

تعریف گالتونگ از صلح، مهم‌ترین تعریف ارائه شده در ادبیات صلح و اساس مطالعات صلح است. اما در ارتباط با این تعریف بایستی اشاره کرد در تعریف وی، صلح براساس "مفهوم تقابلی" آن تعریف و براساس عدم خشونت پایه‌ریزی شده و صلح عدم خشونت انگاشته شده است. مفهوم آشکاری از خود صلح مبتنی بر عوامل و اجزا تشکیل دهنده آن، ساختار مفهومی آن و همچنین رابطه بین اجزای تشکیل دهنده آن ارائه نشده است. به علاوه، عدم خشونت نمی‌تواند به معنای واقعی صلح تلقی شود، چرا که در شرایط عدم خشونت ممکن است پتانسیل تهدید صلح به طور نهفته در جامعه حضور داشته و خود بخشی از زمینه عدم برقراری صلح باشد.

علم جغرافیا، مهارت و توانایی دیدن روابط مختلف را به انسان می‌دهد؛ به عبارت دیگر به انسان می‌آموزد تا نگاهی سیستمی داشته باشد. براساس دیدگاه سیستمی، روابط موجود را می‌توان به دو دسته کلی طبقه‌بندی کرد: رابطه انسان با انسان (در قالب روابط فردی، گروهی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) و رابطه انسان با طبیعت. بر این اساس، صلح نوعی شرایط زندگی اجتماعی است که حاصل سازگاری و انطباق حقوقی مناسب میان روابط دو گانه اشاره شده است. در واقع اگر میان این روابط دوگانه، سازگاری حقوقی به وجود آید، نوعی شرایط

زندگی اجتماعی صلح آمیز حاصل می‌شود [۴]. این تعریف به خوبی بعد هماهنگی با طبیعت که در فلسفه غرب مغفول مانده است را پوشش می‌دهد. این غفلت حتی در منشور سازمان ملل نیز دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که در منشور سازمان ملل متحد [۹]، مفهوم محدود یا منفی "صلح" مرکزیت دارد و تنها چند اشاره مستقیم به جنبه‌های "مثبت" وجود دارد که باید از طریق روابط دوستانه بین ملت‌ها و همکاری بین‌المللی به دست آید. در منشور به صلح با طبیعت هیچ اشاره‌ای نشده است و همچنین نمی‌توان پیامدهای شدید ناشی از تغییرات جهانی محیط زیست را تهدیدی علیه صلح تلقی کرد.

اکولوژی

اکولوژی براساس دو واژه یونانی "oikos" معادل کلمه خانوار، خانه یا خانواده و "logos" معادل کلمه گفتار، فلسفه یا علم است [۱۰]. این واژه، ریشه هر دو کلمه اکونومی و اکولوژی است. مفهوم اکولوژی توسط ارنست هاکل برای مطالعه گونه‌های زنده و محیط فیزیکی و زیست شناختی آن‌ها ابداع شد. اکولوژی ارتباط بین ارگانیسم‌های زنده و محیط زیست است [۱۱] و در جایگاه دانشی که به مطالعه تعامل و برهمکنشی محیط و ارگانیسم‌های زنده می‌پردازد، مسائلی مانند تولید و تجزیه اکولوژی، جریان ماده و انرژی در اکولوژی، چرخه‌های بیوشیمیایی، هرم‌های اکولوژیک و زنجیره‌های غذایی، انواع زیستگاه‌ها، آلودگی‌های زیست محیطی و مانند آن را مورد بررسی قرار می‌دهد [۱۲].

مفهوم اکولوژی به طور عمده با مفهوم سازگاری و همه ویژگی‌هایی که تاثیر مستقیم و قابل اندازه‌گیری بر جمعیت شناسی، توسعه، رفتار و موقعیت مکانی - زمانی یک ارگانیسم دارند، در ارتباط بوده است. زیست شناسی بیولوژیکی با پویایی جمعیت، انتقال انرژی، مدل‌سازی دستگاه‌ها، چرخه‌های مواد مغذی، تخریب و حفاظت از محیط زیست و از دهه ۱۹۷۰، به‌ویژه با استفاده از تفکر نئوداروینی در زمینه زیست بوم اجتماعی در ارتباط بوده است. اکولوژی انسانی در جغرافیای انسانی، جامعه شناسی شهری و مردم شناسی استفاده می‌شود. تاثیر عمده دیگر مفاهیم زیست محیطی در علوم اجتماعی در رابطه با محیط زیست سیاسی، محیط و توسعه بوده است.

اجتماعی با گونه‌های گیاهی و طبیعی در تحلیل اجتماعی خود و شناخت پدیده‌های شهری و ناحیه‌ای به‌طور گسترده از اکولوژی اجتماعی استفاده نمودند [۱۷].

پیتر هاگت [۱۸] "ژئواکولوژی" را به‌عنوان یک علم طبیعی بین‌رشته‌ای معرفی و آن را به‌عنوان علم مطالعه "ساختار و عملکرد ژئواکوسیستم‌ها" در مقیاس‌های مختلف تعریف می‌کند. ژئواکولوژی بر سیستم‌های ژئواکولوژیکی، ماهیت آن‌ها، ساختار سلسله‌مراتبی و ایده‌هایی در مورد وابستگی متقابل و یکپارچگی آن‌ها تمرکز دارد که به بررسی تعاملات داخلی یا ژئواکولوژیکی بین ژئواکوسیستم‌ها و محیط نزدیک به سطح می‌پردازد. ژئواکولوژی بر تاثیر اقلیم، ارتفاع، توپوگرافی، جزیره‌ای بودن و بستر شامل نقش عوامل خارجی، اعم از زمین شناسی و کیهانی به‌عنوان عوامل ایجادکننده اختلال در پویایی ژئواکوسیستم‌ها تمرکز دارد.

ژئواکولوژی سیاسی بیانگر تمرکز واضح‌تری بر اکولوژی و همچنین نشانه‌ای واضح از انتخاب انسان‌ها است که در حال شکل‌دهی به جهان هستند. این اصطلاح، بیانگر عدم کاربرد مفاهیم ژئوپلیتیک سنتی محیط خارجی برای بحث در مورد امنیت انسانی در آینده است. براوج [۱۹] استدلال می‌کند که یک ژئواکولوژی سیاسی مورد نیاز است که رویکردهای متفاوت ژئواکولوژی، اکولوژی اجتماعی و اکولوژی انسانی را ترکیب کند. چنین ژئواکولوژی سیاسی وسیعی باید علل پیچیده و اقدامات متقابل عوامل کلیدی تغییرات زیست محیطی منطقه را با فشار زیست محیطی، بلایای طبیعی، مهاجرت فاجعه‌بار، بحران‌ها و منازعات ترکیب کند.

پیوند اکولوژی و صلح

گسترش اقتصاد جهانی و مصرف گرایی فوق‌العاده جوامع بشری همراه با عدم توازن در تولید، توزیع و مصرف منابع اقتصادی از سویی و توسعه و رشد جمعیت همراه با الگوی پخش نامتعادل و شیوه‌های ناصحیح تعامل انسان با محیط جغرافیایی سبب شده است زیستگاه اینا بشر دستخوش مخاطرات گردد. از این رو مسائل زیست محیطی از دهه ۱۹۶۰ در سیاست جهان جای خود را باز کرده و نهضت‌هایی چون

همچنین در حال حاضر توجه بیشتری به ساخت فرهنگی طبیعت، دانش فناوری بومی، مدیریت منابع مشترک و تاریخ محیط زیست می‌شود [۱۳]. مفهوم اکولوژی توسط بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی تحت عنوان "اکولوژی انسانی"، "اکولوژی اجتماعی"، "اکولوژی سیاسی" و "ژئواکولوژی سیاسی" و مشابه این‌ها مفهوم سازی شده است.

مطالعات اکولوژی انسانی [۱۴]، به‌تدریج در جغرافیا، جامعه‌شناسی، روانشناسی، مردم‌شناسی، جانورشناسی، اپیدمیولوژی، بهداشت عمومی، اقتصاد و اکولوژی طبیعی تکامل یافت که به بررسی رابطه بین انسان‌ها و محیط‌های بیوفیزیکی، اجتماعی و ساخته شده انسان‌ها می‌پردازد. به تعبیر مارتن [۱۰] اکولوژی انسانی نیز در مورد روابط انسان و محیط زیست است. در اکولوژی انسانی، محیط زیست به‌عنوان یک اکوسیستم دیده می‌شود.

مفهوم اکولوژی سیاسی [۱۵] از دهه ۱۹۳۰ در جغرافیای انسانی و توسعه‌ای، مردم‌شناسی و اکولوژی برای توضیح پویایی‌های سیاسی پیرامون مبارزات مادی و گفتمانی بر سر محیط زیست در جهان سوم مورد استفاده قرار گرفت. این مفهوم به مطالعه روابط بین عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با مسائل و تغییرات زیست محیطی در تلاش برای سیاسی کردن پدیده‌های زیست محیطی می‌پردازد. برخی اکولوژی سیاسی را با اقتصاد سیاسی در مورد تخریب و به حاشیه راندن، منازعه زیست محیطی- روانی، حفاظت و کنترل و هویت‌های زیست محیطی و جنبش‌های اجتماعی ادغام کردند. برایان و بیلی به مفروضات کلیدی اکولوژی سیاسی از جمله توزیع نابرابر هزینه‌ها و منافع اشاره می‌کنند که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی موجود را تقویت کرده و پیامدهای سیاسی دارند [۳].

اکولوژی اجتماعی، مطالعه اکوسیستم‌های انسانی و طبیعی را ادغام می‌نماید و بر رابطه بین فرهنگ و طبیعت تمرکز دارد. مورای بوکچین [۱۶]، اکولوژی اجتماعی را "به صورت نقد روندهای اجتماعی، سیاسی و ضد اکولوژی فعلی که از رویکرد بازساختی، اکولوژیکی، اجتماعی و اخلاقی برای جامعه حمایت می‌کند"، مفهوم‌سازی می‌کند. دانشمندان علوم اجتماعی به ویژه جامعه شناسی شهری با مقایسه گروه‌های مختلف

صلح سبز و رفقای زمین را در آمریکای شمالی، استرالیا و اروپای غربی سبب شده است [۲۰].

توجه به حفظ محیط زیست نیز یکی از اجزای سازنده صلح است و اهمیت آن تا جایی پیش رفته است که اکنون سخن از حق به محیط زیست سالم به میان می‌آید؛ چرا که تخریب محیط زیست یک تهدید جدی برای بقای انسان است. برخی از حقوق‌دانان پیشنهاد کرده‌اند برای برخورد با مسائلی که از طریق نابودی تدریجی محیط زیست به وجود می‌آید، حق جدیدی در چهارچوب حقوق بشر، مبنی بر حق برخورداری از محیط زیست شایسته، سالم و امن شناسایی شود. این عده پیشنهاد می‌کنند که حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم باید یکی از حقوق "نسل سوم" یا "حقوق همبستگی" محسوب شود؛ چرا که بحرانی بودن وضعیت ایجاد شده به واسطه تخریب محیط زیست، ایجاد حقی بشری دایر بر بهره‌مندی از محیط زیست سالم را ایجاب می‌کند [۲۱]. حق محیط زیست سالم پیش‌نیازی برای تمامی دیگر حقوق بشر است؛ چرا که برای بهره‌مندی انسان‌ها از این حقوق فرض بر این است که آنان از حداقل سلامتی برخوردارند. تخریب محیط زیست همچنین توسعه پایدار را به خطر می‌اندازد و بی‌ثبات کننده است.

همگرایی مطالعات صلح و مطالعات زیست محیطی و به‌طور خاص پتانسیل اکوسیستم برای حمایت از صلح، ناشی از تحولات در مطالعات زیست محیطی است که زمینه را برای گسترش دامنه آن برای شمول موضوعات تجزیه و تحلیل منازعه و صلح آفرینی فراهم کرده است [۲۲]. اگرچه حل منازعات زیست محیطی بخش مهمی از زمینه مطالعات زیست محیطی برای چندین دهه بوده است، اما درک پیامدهای محیط زیست از منظر امنیت بین‌المللی و صلح آفرینی از اواخر دهه ۱۹۸۰ که مفهوم امنیت زیست محیطی پدیدار شد، مورد توجه قرار گرفته است [۲۳].

در حالی که هر دو مفهوم علمی صلح و اکولوژی از زمان پایان جنگ سرد به‌طور قابل توجهی تغییر کرده‌اند، تبادل علمی بین تحقیقات صلح و رویکردهای مختلف اکولوژیکی محدود بوده و بیشتر تحقیقات در محدوده برنامه‌های تحقیقاتی خاص انجام شده است. با تغییر جهت تمرکز تحقیقات امنیت محیط زیستی از کمیابی منابع محیط زیستی، تخریب و منازعه به

خطرات و نگرانی‌های ناشی از تغییرات جهانی زیست محیطی و اقلیمی، بحث مجدداً بر پیوندها از منظر امنیت ملی، بین‌المللی و انسانی متمرکز شد.

پس از اینکه برنامه توسعه سازمان ملل [۲۴]، مفهوم امنیت انسانی را ابداع کرد، درک غیرجامع سنتی از امنیت نظامی و سیاسی تحول یافت و به ابعاد امنیت اقتصادی، اجتماعی و اکولوژی تسری پیدا کرد و همچنین به امنیت انسانی و جنسیتی از مقیاس خانه به مقیاس جهانی تعمیق یافت. با این گسترش و تعمیق مفهوم امنیت، موضوعات مرجع آن از حاکمیت و قلمرو به انسان و نوع بشر تغییر کرد. ارزش‌های در معرض خطر به هویت، پایداری و بقا تغییر کرد و منابع تهدید از سایر کشورها به تغییرات زیست محیطی جهانی تحول یافت.

در سیر تحولی اکولوژی صلح، کونکا [۲۵] اساساً فرضیه اصلی بحث در مورد امنیت و ناسازگاری محیط زیستی و اکولوژیکی را: (۱) با طرح این سوال که آیا همکاری زیست محیطی می‌تواند باعث ایجاد شکل‌های وسیع‌تری از صلح شود، (۲) با تعریف صلح به‌عنوان یک پیوستار از عدم وجود منازعات خشونت‌آمیز تا غیرقابل تصور بودن منازعات خشونت‌آمیز، (۳) با پرداختن به مشکلات خشونت ساختاری و نابرابری اجتماعی و (۴) از طریق ایجاد یک اجتماع امنیتی درک شده، براساس حل مسالمت‌آمیز منازعات به چالش کشید. این اثر به‌طور غیرمستقیم از ایده‌های کارکردگرایی میترانی [۲۶] الهام گرفته شده است که براساس آن، همکاری‌های زیست محیطی از طریق همکاری در چارچوب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی زیست محیطی می‌تواند رفتار صلح‌آمیز بین‌المللی را ارتقا بخشد.

همچنین، کونکا و همکاران [۲۷] به دنبال صلح آفرینی از طریق همکاری‌های زیست محیطی بودند و خاطر نشان می‌کنند که اکثر ابتکارات صلح زیست محیطی در یکی از سه گروه که تا حدی همپوشانی دارند، قرار می‌گیرند: تلاش برای جلوگیری از منازعات مستقیم مرتبط با محیط زیست، تلاش برای شروع و حفظ گفتگو بین طرفین در حال منازعه و ابتکارات برای ایجاد زمینه پایدار برای صلح. این نویسندگان استدلال می‌کنند که صلح آفرینی زیست محیطی ممکن است به جلوگیری از منازعات ناشی از محیط زیست، کاستن از نارضایتی‌های گروهی که در نتیجه بی‌عدالتی‌های زیست

بزرگ برای طبیعت و هم قربانیان آن شده‌اند و البته می‌توانند با اقدام خود بخشی از راه‌حل آن شوند. صلح با طبیعت به تدریج از نظر اجتماعی به‌عنوان تغییرات زیست محیطی و اقلیمی جهانی، از اوایل دهه ۱۹۷۰ به‌عنوان یک مسئله علمی، از اواخر دهه ۱۹۸۰ به‌عنوان یک مشکل سیاسی و از آغاز قرن ۲۱ به‌عنوان یک خطر امنیتی شکل گرفته است [۳].

نحوه واکنش انسان‌ها به تهدیدات جدید در مورد بقای گونه‌ها، گیاهان و سایر حیوانات و تنوع زیستی رو به کاهش نه تنها به جهان بینی دانشمندان بلکه به طرز تفکر نخبگان و اینکه آیا گروه‌های ذی‌نفع در استفاده از منابع کربنی موفق می‌شوند یا خیر، بستگی دارد. روال معمول زمانی حاکم می‌شود که نخبگان سیاسی، اقتصادی و نظامی مایل نیستند یا قادر نیستند برای رفع علل ریشه‌ای تغییرات زیست محیطی و اقلیمی جهانی اقدام کنند. بسیاری از رهبران مذهبی، دانشمندان و سیاست‌گذاران خواستار یک چشم‌انداز جایگزین با هدف انقلاب علمی جدید، برای تغییر جهان بینی کاملاً متفاوت به سوی الگوی جایگزین توسعه پایدار و صلح پایدار هستند، جایی که می‌توان به هدف اخلاقی صلح با طبیعت دست یافت [۳].

در نتیجه‌ی پیوند اکولوژی به‌عنوان یک مفهوم علمی با هدف هنجاری اخلاقی، سیاسی و علمی صلح، تجزیه و تحلیل علمی باید گسترش یابد، همچنان که تفکر سیاسی اقدام محور و استراتژی‌ها، سیاست‌ها و اقدامات مرتبط برای دستیابی به هدف صلح با ویژگی‌های مختلف "منفی"، "مثبت"، "فرهنگی"، "ایجاد شده" و "صلح پایدار" نیز بایستی گسترش یابند. این بدان معناست که اکولوژی صلح باید در ارتباط با پنج رکن اصلی پنج‌گانه اکولوژی صلح یعنی صلح، امنیت، برابری، جنسیت و پایداری، مفهوم سازی گردد [۳].

در زمینه مفهوم سازی مجدد پروژه امنیت، یک مجموعه چهارگانه مفهومی بین امنیت، صلح، توسعه و محیط زیست مطرح است. علاوه بر این، چهار رکن مفهومی "معمای امنیت" (صلح و امنیت)، "توسعه پایدار" (توسعه و محیط زیست)، "معمای بقا" (امنیت، توسعه و محیط زیست) و "صلح پایدار" (صلح، توسعه، محیط زیست) مطرح است. در نهایت، شش پیوند دوگانه مربوط به صلح و امنیت، صلح و محیط زیست، صلح و

محیطی شدت می‌یابند، که به‌عنوان صلح منفی نیز شناخته می‌شود، کمک کند. در حالی که رویکرد دوم، فراتر از منازعات با یک جز خاص زیست محیطی است، که به دنبال صلح آفرینی از طریق پاسخ‌های مشارکتی به چالش‌های مشترک زیست محیطی است، بنابراین تا حدی صلح مثبت را در هدف دارد.

اکولوژی صلح، رویکرد جهانی را برای صلح آفرینی زیست محیطی و ذهنی اعمال می‌کند که در آن مردم و محیط زیست بر خشونت فرهنگی علیه محیط زیست متأثر از روش‌های یکپارچه، مکانیکی و ناپایدار استخراج منابع و یا از یک رویکرد عادی و یا خشونت اکولوژیکی که به آسیب مستقیم محیط زیست از طریق آلودگی، تخریب، بهره‌برداری بیش از حد، به‌ویژه در موارد آسیب شدید یا غیرقابل برگشت اشاره دارد، غلبه می‌کنند. اکولوژی صلح به حفظ و تعامل هماهنگ جوامع اهمیت می‌دهد و در عین حال، برای جامعه‌ای که برای حفظ صلح مثبت به‌عنوان یک دارایی منطقی تلاش می‌کند، اهمیت می‌دهد. اکولوژی صلح، ارزش تنوع زیستی را با تنوع فرهنگی پیوند می‌دهد و هدف آن حفاظت از محیط زیست و حفظ صلح در آینده‌ای دور است. عنصر دیگر رویکرد صلح زیست محیطی، منطقه‌گرایی زیست محیطی است که هدف آن حفظ صلح مثبت در جامعه با حفظ یکپارچگی زیست محیطی است. اکولوژی صلح فعالیت‌های صلح آفرینی زیست محیطی را در بستر مناطق زیست محیطی قرار می‌دهد و تأثیر آن‌ها بر اشکال مختلف خشونت را تجزیه و تحلیل می‌کند [۱۰].

یافته‌های پژوهش

مفهوم سازی اکولوژی صلح

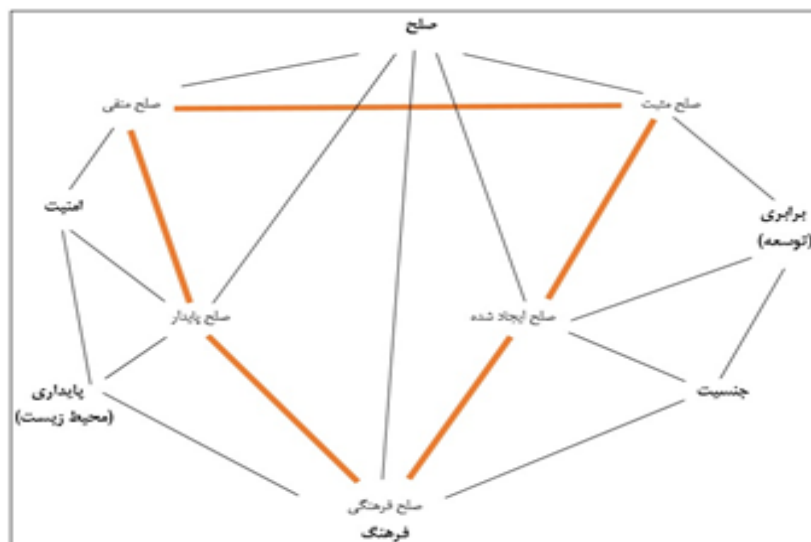
اکولوژی صلح از لحاظ فلسفی خواستار "صلح با طبیعت" است که به‌طور فزاینده‌ای با مداخلات متعدد انسانی در سیستم زمین به چالش کشیده شده و در معرض خطر قرار دارد. دستیابی به صلح با طبیعت یک وظیفه داخلی و بین‌المللی است که در آن رفتار انسان باید مطابق با تمامیت طبیعت باشد، جایی که خطرات و بلایای روزافزون بیانگر ناهماهنگی و منازعه بشر با طبیعت است. صلح با طبیعت را می‌توان هم از نظر اخلاقی (اخلاق اکولوژیکی) و هم از نظر حقوقی (قانون زیست محیطی) مورد بررسی قرار داد. در آنتروپوسین، انسان‌ها هم تهدیدی

توسعه، توسعه و محیط زیست، توسعه و امنیت و امنیت و محیط زیست قابل طرح است.

اکولوژی صلح در آنتروپوسین ممکن است در چارچوب پنج رکنی که در اینجا به عنوان "پنج گانه اکولوژی صلح" متشکل از صلح، امنیت، برابری، پایداری و جنسیت معرفی می شود، مفهوم سازی گردد. برای مفهوم سازی پیوندهای بین صلح و امنیت، از "صلح منفی" و برای رابطه بین صلح و برابری از مفهوم "صلح مثبت" استفاده می شود و برای تعاملات بین صلح، جنسیت و محیط زیست، مفهوم "صلح فرهنگی" و در نهایت برای روابط بین صلح، برابری و جنسیت، مفهوم "صلح ایجاد شده" پیشنهاد

می شود. پنج رکن اکولوژی صلح به ویژگی های مفهومی مختلف صلح اشاره دارد. رابطه کلاسیک بین صلح و امنیت بین المللی در منشور سازمان ملل متحد به برنامه سیاسی محدود صلح منفی بدون جنگ و منازعه خشونت آمیز با هدف پیشگیری، مهار و حل منازعات و خشونت یا عدم وجود خشونت مستقیم در جنگ و سرکوب اشاره دارد. دستیابی به صلح با عدالت یا صلح مثبت به عدم وجود خشونت ساختاری به دلیل غلبه بر نابرابری اجتماعی، تبعیض، حاشیه نشینی و فقر به عدم دسترسی به غذا، آب، بهداشت و فرصت های آموزشی کافی اشاره دارد (شکل ۱).

شکل ۱: پنج رکن اکولوژی صلح و چهار مفهوم ارتباطی آنها



منبع: [۳].

صلح پایدار به پیوندهای چندگانه بین صلح، امنیت و محیط زیست اشاره دارد، جایی که بشر و محیط زیست به عنوان دو بخش متقابل کره زمین با پیامدهای تخریب، استخراج و آلودگی روبه رو هستند. مفهوم صلح پایدار شامل فرایندهای جبران خسارات حاصل از تخریب محیط زیست، کاهش تأثیرات انسان در اکوسیستم ها از طریق فرآیند کم کردن کربن و در درازمدت احتمالاً بدون کربن و فرآیندهای تولید بدون اتکا بر مواد است، به شکلی که نسل های آینده قادر باشند در مورد منابع و استراتژی های توسعه خود تصمیم بگیرند [۳].

رابطه بین صلح، محیط زیست و جنسیت ممکن است به صلح فرهنگی منجر شود تا بتواند آرامش را در اعمال و اذهان بشر در جهان متنوع از نظر فرهنگی و زیست محیطی تسهیل کند. این صلح فرهنگی، که یونسکو آن را فرهنگ صلح [۵] نیز نامیده است، اجتماعی شدن مردم برای غلبه بر هرگونه تبعیض مذهبی یا اجتماعی، از طریق بنای حقوق انسانی و طبیعی است که به طور مساوی برای همه افراد از هر نوع نژاد، گروه، طبقه، جنسیت و اعتقادات برای توسعه توانایی مذاکره مسالمت آمیز در مورد منازعات موجود و آینده و به اشتراک گذاشتن قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور مساوی اعطا شده

زیست محیطی از طریق همکاری در چارچوب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی زیست محیطی می‌تواند رفتار صلح‌آمیز بین‌المللی را ارتقا بخشد) و تسری همکاری‌ها از یک حوزه به حوزه‌ای دیگر، این امر می‌تواند فرصت‌هایی را در مرحله پس از حل و فصل منازعه برای حفظ صلح شکننده و جلوگیری از بازگشت به خشونت (صلح‌سازی) ارائه دهد. اهمیت و فوریت این مسئله از آنجا بیشتر آشکار می‌شود که ۱۸ نهاد اطلاعاتی آمریکا [۷] چند روزی قبل از کنفرانس اقلیمی گلاسکو در سال ۲۰۲۱، هشدار دادند تغییرات ناشی از گرمایش زمین، تنش و رقابت بین کشورها را تشدید کرده و به بی‌ثباتی جهانی می‌انجامد؛ مجموعه دیگری که پتانسیل قابل توجهی برای صلح آفرینی زیست محیطی دارد شامل کشورهای جزیره‌ای کوچک درحال توسعه اقیانوس آرام است. کشورهای جزیره‌ای کوچک درحال توسعه اقیانوس آرام که بقای سرزمینی آن‌ها به دلیل افزایش سطح دریا در نتیجه گرم شدن زمین در حدود ۴ درجه سانتی گراد در معرض تهدید است [۳۰]، پتانسیل قابل توجهی برای صلح آفرینی زیست محیطی دارند. همکاری زیست محیطی در این منطقه می‌تواند اعتماد را افزایش دهد، رویه همکاری، روابط بین اجتماعی مبتنی بر تعاون و هنجارها ایجاد کند و هویت‌های مشترک منطقه‌ای خلق کند.

طرح‌های مشابهی نیز برای کشورهای حوزه دریای خزر که دو منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی (به‌عنوان دو منطقه بحران‌خیز) را به همدیگر متصل می‌کند و برای کشورهای ساحلی رود ارس (شامل ترکیه، ایران، آذربایجان و ارمنستان) نیز قابل طرح است. نمونه آلودگی رود ارس و فوریت رفع آن می‌تواند محرکی مناسبی برای ایجاد فضای صلح‌آمیز با مشارکت کشورهای مذکور در منطقه قفقاز جنوبی باشد.

نتیجه‌گیری

اکولوژی صلح یک مفهوم علمی نوظهور است که تحت تاثیر گفتمان علمی در مورد امنیت زیست محیطی و صلح‌سازی زیست محیطی قرار گرفته است. روسای کمیسیون اکولوژی و صلح انجمن بین‌المللی تحقیقات صلح، اکولوژی صلح را به‌عنوان چارچوبی برای مطالعه مسائل زیست محیطی و اکولوژی از منظر تحقیقات صلح معرفی می‌کنند. اکولوژی صلح

است. مردمی که با در نظر گرفتن آسیب پذیری خود در ارتباط با اقدامات انسانی، اکوسیستم‌های مختلف را ارزشمند می‌بینند. در نهایت پیوندهای بین صلح، برابری و جنسیت، آنچه که صلح ایجاد شده نامیده می‌شود را به ارمغان می‌آورد و مردان و زنان، کودکان، جوانان و افراد مسن را براساس برابری پیوند می‌دهد تا ظرفیت‌های مذاکره، مبادله، به اشتراک گذاری، چانه زنی و ابزارهای توسعه را ارتقا دهند و آسیب پذیرترین افراد نیز از طریق فرآیندهای توسعه، مدیریت تعارض بدون خشونت و کاهش خطر فجایع توانمند شوند [۳].

کاربرد اکولوژی صلح:

دو طرح پیشنهادی

برخلاف اکولوژی جنگ که بیشتر متمرکز بر نقش اکولوژی در شکل‌گیری و رویه جنگ است، در اکولوژی صلح تمرکز بر استفاده از فوریت مصائب زیست محیطی به‌عنوان محرکی برای توقف منازعه و صلح آفرینی زیست محیطی است. همچنان که کونکا و دابلکو [۲۸] نیز عنوان می‌کنند، همکاری زیست محیطی می‌تواند کاتالیزوری موثر برای کاهش تنش‌ها، گسترش همکاری‌ها، تقویت غیرنظامی‌سازی و ترویج صلح باشد. تا به امروز، محیط زیست تا حد زیادی به‌عنوان مکانیزمی برای کاهش خصومت‌ها و در نتیجه صلح آفرینی مطرح بوده است، اما آیا محققان، سیاست‌گذاران و مجریان امر می‌توانند از سناریوهای منازعه و صلح آفرینی زیست محیطی به سمت حفظ صلح زیست محیطی حرکت کنند؟

محیط زیست می‌تواند فرصت‌هایی را هم در حین منازعه و هم در مرحله پس از منازعه برای صلح آفرینی و صلح‌سازی فراهم کند. با توجه به اینکه بحران‌های زیست محیطی نوعی احساس فوریت در نیاز به بقا [۶] ایجاد می‌کند، می‌تواند مانع از ادامه منازعه گردد. این مسئله می‌تواند مورد توجه جدی دولت‌های جنوب غرب آسیا قرار گیرد. این منطقه یکی از جنگ زده‌ترین [۲۹] مناطق جهان است و فوریت ناشی از بحران‌های زیست محیطی بالاخص مسئله کمبود آب می‌تواند به‌عنوان محرکی برای توقف منازعات مستقیم و غیرمستقیم (صلح آفرینی زیست محیطی) و شروع مذاکرات باشد. با فرض اعتبار نظریه کارکردگرایی [۲۶] (براساس این نظریه همکاری‌های

اساسا به دنبال پاسخ دادن به دو سوال است: ۱) آیا می‌توان از محیط زیست به‌عنوان ابزاری برای صلح آفرینی در داخل کشورها و مناطق مرزی پرتنش استفاده کرد؟ ۲) آیا محققان، سیاست‌گذاران و متصدیان امر می‌توانند از سناریوهای منازعه و صلح آفرینی زیست محیطی به سمت حفظ صلح زیست محیطی حرکت کنند؟

تا به امروز، محیط زیست تا حد زیادی به‌عنوان مکانیزمی برای کاهش خصومت‌ها و در نتیجه صلح آفرینی مطرح شده است. با این حال، محیط زیست ممکن است فرصت‌هایی را در مرحله پس از حل و فصل منازعه برای حفظ صلح شکننده و جلوگیری از بازگشت به خشونت ارائه دهد. در گزارش دبیر کل سازمان ملل [۳۱] از تغییرات زیست محیطی هم به‌عنوان "تهدید کننده تهدید" که در رویکرد امنیت ملی مسلط است و هم به‌عنوان "کاهش دهنده تهدید" که توسعه پایدار را در هدف دارد، یاد شده است. تغییرات اقلیمی به‌عنوان کاهش‌دهنده تهدید به سیاست‌های کنش‌گرا در جهت پایداری اشاره می‌کند که شامل کاهش و سازگاری اقلیمی، توسعه اقتصادی، حکومت دموکراتیک و نهادهای محلی و ملی قدرتمند، همکاری بین‌المللی، دیپلماسی پیشگیرانه و میانجی‌گری است.

سوالاتی که در اینجا مطرح است این است که چرا اساسا این مفهوم در این برهه زمانی مطرح شده است؟ پاسخ این است که انسان شاهد گذار جهانی در تاریخ زمین است که توسط انقلاب صنعتی اول و دوم ایجاد شده است و منجر به تغییرات انسانی در سیستم زمین شده است. این تحولات منجر به تغییرات پیچیده زیست محیطی جهانی، تغییرات اقلیمی و از دست دادن تنوع زیستی شده است که اغلب کارکردهای زیست محیطی را تحت تاثیر قرار داده است. آثار اجتماعی تغییرات اقلیمی و از دست دادن تنوع زیستی ممکن است منجر به خطرات و نگرانی‌های امنیتی بین‌المللی، ملی و انسانی عمده شود.

بشر در جهت پاسخ دادن به این مشکلات دو راه‌حل در پیش دارد: ۱) سیاست معمول و عادی که امید است نیروهای بازار، ابتکارات اقتصادی و قدرت نظامی بتوانند با تغییرات زیست محیطی جهانی مقابله کنند؛ ۲) انقلاب پایداری که به دنبال گذار طولانی مدت به سمت پایداری است. از سال ۲۰۰۵ یک گفتمان جایگزین در مورد گذار پایدار یا گذار به توسعه پایدار

توسعه یافته است. این گفتمان به جهات جدیدی در مطالعه تغییرات دگرگون کننده بلند مدت می‌پردازد که باید بر جوامع انعطاف پذیر نیز تمرکز کند. پروژه گذار پایدار و صلح پایدار پس از اتمام پروژه مفهوم سازی مجدد امنیت شروع شد و چالش‌های کلیدی علمی و سیاسی قرن بیست و یکم را مورد بررسی قرار می‌دهد، از جمله شکست نسبی تلاش‌های بین‌المللی برای بررسی، رویارویی و مقابله با تاثیرات تغییرات زیست محیطی و اقلیمی جهانی که منجر به پارادوکس اقلیمی شد، جایی که کشورهای صنعتی در انجام تعهدات قانونی و الزام‌آور جهانی خود از سال ۱۹۹۲ ناتوان بوده و یا مایل به انجام این تعهدات نبودند. پروژه گذار پایدار و صلح پایدار، روابط بین‌الملل را با مطالعات محیط زیست، امنیت، توسعه و صلح ترکیب می‌کند تا تاثیرات هر دو رویکرد سیاست‌گذاری جایگزین برای صلح و امنیت بین‌المللی را بررسی کند [۲].

"صلح پایدار" به‌عنوان یک مفهوم هنجاری فراتر از صلح منفی (عدم وجود جنگ) و مثبت (عدالت اجتماعی) گالئونگ با هدف "صلح با طبیعت" (آهیمسا) است که هدف صلح را با هدف توسعه پایدار ادغام کرده و بنابراین دو مفهوم بسیار مورد مناقشه را به هم پیوند می‌دهد. در یک چارچوب سیاست‌گذاری، صلح پایدار به دنبال استراتژی‌ها، سیاست‌ها و اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری و اجتناب از تاثیرات امنیتی تغییرات بالقوه زیست محیطی و اقلیمی جهانی و افزایش منازعات آتی بر سر دسترسی و کنترل منابع انرژی است.

بر همین اساس، اکولوژی صلح در چارچوب پنج رکنی متشکل از صلح، امنیت، برابری، پایداری و جنسیت مفهوم‌سازی گردید. برای مفهوم سازی پیوندهای بین صلح و امنیت، از "صلح منفی" و برای رابطه بین صلح و برابری از مفهوم "صلح مثبت" استفاده می‌شود و برای تعاملات بین صلح، جنسیت و محیط زیست، مفهوم "صلح فرهنگی" و در نهایت برای روابط بین صلح، برابری و جنسیت مفهوم "صلح ایجاد شده" پیشنهاد می‌شود. از اکولوژی صلح می‌توان در جهت توقف و تحول منازعات بهره برد. بر همین اساس برخی پیشنهادها در این زمینه ارائه شد که دو مورد آن در محیط بلافصل ایران قرار دارد. ایران به‌عنوان کشوری واقع در منطقه جنوب غرب آسیا با بحران‌های زیست محیطی در سطوح محلی، محلی، منطقه‌ای و

6. Lum, B. J. (2014). Beyond the Surface: The Deeper Challenge in Environmental Education Transforming Consciousness Through Peace Environmental Education, in: Expanding Peace Ecology: Peace, Security, Sustainability, Equity and Gender. 137-165, Springer, Cham.

۷. دویچه وله. (۲۰۲۱). نهادهای اطلاعاتی آمریکا: تغییرات

اقلیمی موجب تنش جهانی می‌شود. نمایه شده در:

<https://bit.ly/3sef4x5>

8. Galtung, J. (2007). A Mini Theory of Peace. at:

<http://peacelearner.files.wordpress.com/2010/01/johangaltung-aminithetheoryofpeace1.pdf>

9. UN. (1945). The Charter of the United Nations.

۱۰. وینست، اندرو. (۱۳۷۸). ایدئولوژی‌های مدرن سیاسی.

مترجم: مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات شمشاد، ص

۲۹۲

11. Marten, G. G. (2001). Human Ecology: Basic Concepts for Sustainable Development. London: Earthscan, 1.

۱۲. کاویانی راد، مراد. (۱۳۸۸). بوم‌شناسی سیاسی. فصلنامه

مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره سوم، ص ۹.

13. Ellen, R.F. (1996). Ecology in the Social Science Encyclopedia Kuper. Adam; Kuper; Jessica (Eds.), London-New York: Routledge, 207-208.

14. Douglas, I. (2002). Human Disturbance of the Earth System: Dynamics and Complexities. in: Douglas, Ian (Ed.): Encyclopedia of Global Environmental Change, Vol.3: Causes and Consequences of Global Environmental Change. Chichester: Wiley.

15. Bryant, Raymond L., (1998). Power, Knowledge and Political Ecology in the Third World. Progress in Physical Geography, 22 (1), 79-94.

16. Bookchin, M. (1990). The Philosophy of Social Ecology: Essays on Dialectical Naturalism. Montreal: Black Rose Books.

جهانی قرار دارد و باور مقاله حاضر این است که می‌توان از اکولوژی صلح در جهت تحول منازعات موجود بهره برد و فضایی صلح‌آمیزتر در سطوح ذکر شده شکل داد. همچنان که نات‌هان نیز عنوان می‌کند: محیط زیست، همه انسان‌ها از هر ملتی و نسلی را متحد می‌سازد. اگر در حفاظت از آن موفق نباشیم، نابود خواهیم شد. اگر برای تامین نیازها اقدام کنیم (همه انسان‌ها، گونه‌ها و همه‌چیز)، با همدیگر زنده خواهیم ماند و این صلح خواهد بود [۳۲].

تشکر و قدردانی: نویسنده از حمایت‌های مادی و معنوی

معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کمال قدردانی و تشکر را دارد.

تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: موردی توسط

نویسنده گزارش نشده است.

سه‌م نویسنده‌گان و منابع مالی/حمایت‌ها: موردی

توسط نویسنده گزارش نشده است.

منابع

1. Galtung, J. (1996). Peace with Peaceful Means. Sage Publication.
2. Brauch, H. G. (2014). From Climate Change and Security Impacts to Sustainability Transition: Two Policy Debates and Scientific Discourses, in: Expanding Peace Ecology: Peace, Security, Sustainability, Equity and Gender. 33-61, Springer, Cham.
3. Oswald Spring, Ú., Brauch, H. G., & Tidball, K. G. (2014). Expanding Peace Ecology: Peace, Security, Sustainability, Equity, and Gender, in: Expanding Peace Ecology: Peace, Security, Sustainability, Equity and Gender. 1-30, Springer, Cham.
۴. کریمی، مهدی و حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۷). تبیین نقش دولت محلی در صلح‌سازی. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، شماره ۳، ص ۴.
۵. دستوری، مژگان. (۱۳۹۹). فرهنگ صلح از روان تا صلح. تهران: انتشارات منشور صلح، ص ۶۲

- <http://hdr.undp.org/en/reports/global/hdr1994/chapters/>
25. Conca, K. (2002). The Case for Environmental Peacemaking, in: Environmental Peacemaking; Conca, Ken and Dabelko, Geoffrey (Eds.). Baltimore: Johns Hopkins University Press, 9.
 ۲۶. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۱). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت، ص ۶۰.
 27. Conca, K. and et al. (2002). Building Peace Through Environmental Cooperation, in: State of the World. Redefining Global Security; The World watch Institute (Ed.). New York-London: W. W. Norton, 150.
 28. Conca, K; Dabelko, G. (2002). Environmental Peacemaking. Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press, 9.
 29. IEP. (2021). Global Peace Index. The Institute for Peace and Economics. At: <https://www.economicsandpeace.org/wp-content/uploads/2021/06/GPI-2021-web.pdf>
 30. UN. (2009). Pacific Small Island Developing States. At: https://www.un.org/esa/dsd/resources/res_pdfs/ga-64/cc-inputs/PSIDS_CCIS.pdf
 31. UNSG. (2009). Climate Change and its Possible Security Implications. Report of the Secretary General, New York: United Nations.
 32. Amster, R. (2009). Pax Gaia: The Ecology of War, Peace and How to Get from Here to There, in: Building Cultures of Peace: Transdisciplinary Voices of Hope and Action. Cambridge Scholars Publishing, 246.
 ۱۷. حاجی نژاد، علی و همکاران. (۱۳۹۴). بررسی تأثیرات جدایی‌گزینی اکولوژیک بر امنیت پایدار اجتماعی. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال سوم، شماره دهم، ص ۴۱.
 18. Huggett, Richard J. (1995). Geo-Ecology; An Evolutionary Approach. London-New York: Routledge.
 19. Brauch, H. G. (2003). Security and Environment Linkages in the Mediterranean: Three Phases of Research on Human and Environmental Security and Peace, in: Security and Environment in the Mediterranean. Conceptualizing Security and Environmental Conflicts, Brauch, Hans Gunter and et al. (Eds.). Berlin-Heidelberg: Springer, 35-141.
 ۲۰. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی، ص ۸۹.
 ۲۱. پارسا، علیرضا. (۱۳۷۷). محیط زیست و حقوق بشر. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۵ و ۱۳۶، ص ۱۳۱.
 22. Kyrou, Christos N. (2007). Peace Ecology: An Emerging Paradigm in Peace Studies. International Journal of Peace Studies, 12 (1), 73-92.
 23. Tidball, Keith. G. (2014). Peace Research and Greening in the Red Zone: Community- Based Ecological Restoration to Enhance Resilience and Transitions toward Peace, in: Expanding Peace Ecology: Peace, Security, Sustainability, Equity and Gender. 63-83, Springer, Cham, 64.
 24. UNDP. (1994). Human Development Report. New Dimensions of Human Security. At: